

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

92

مقدمات



اصول فقه

ادله محرزہ

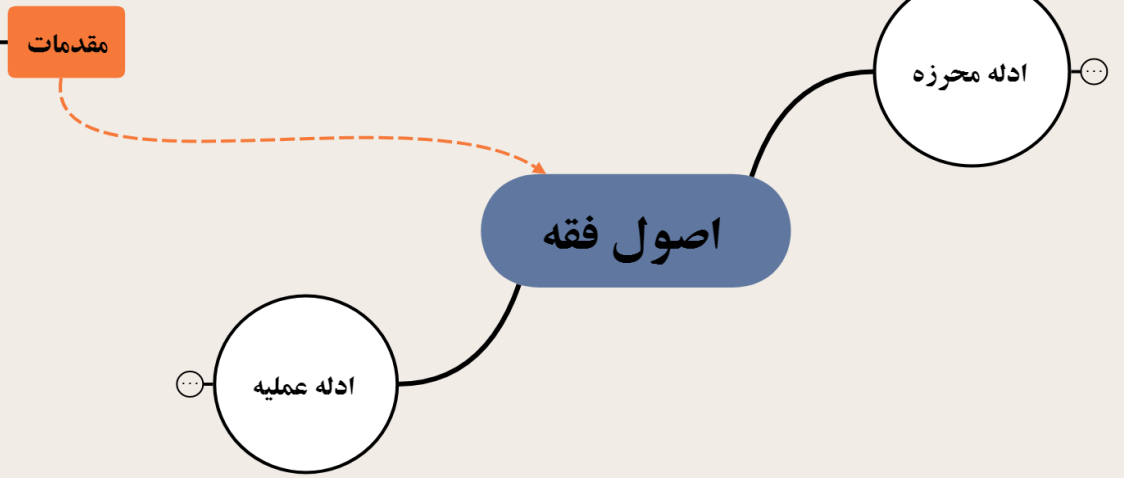
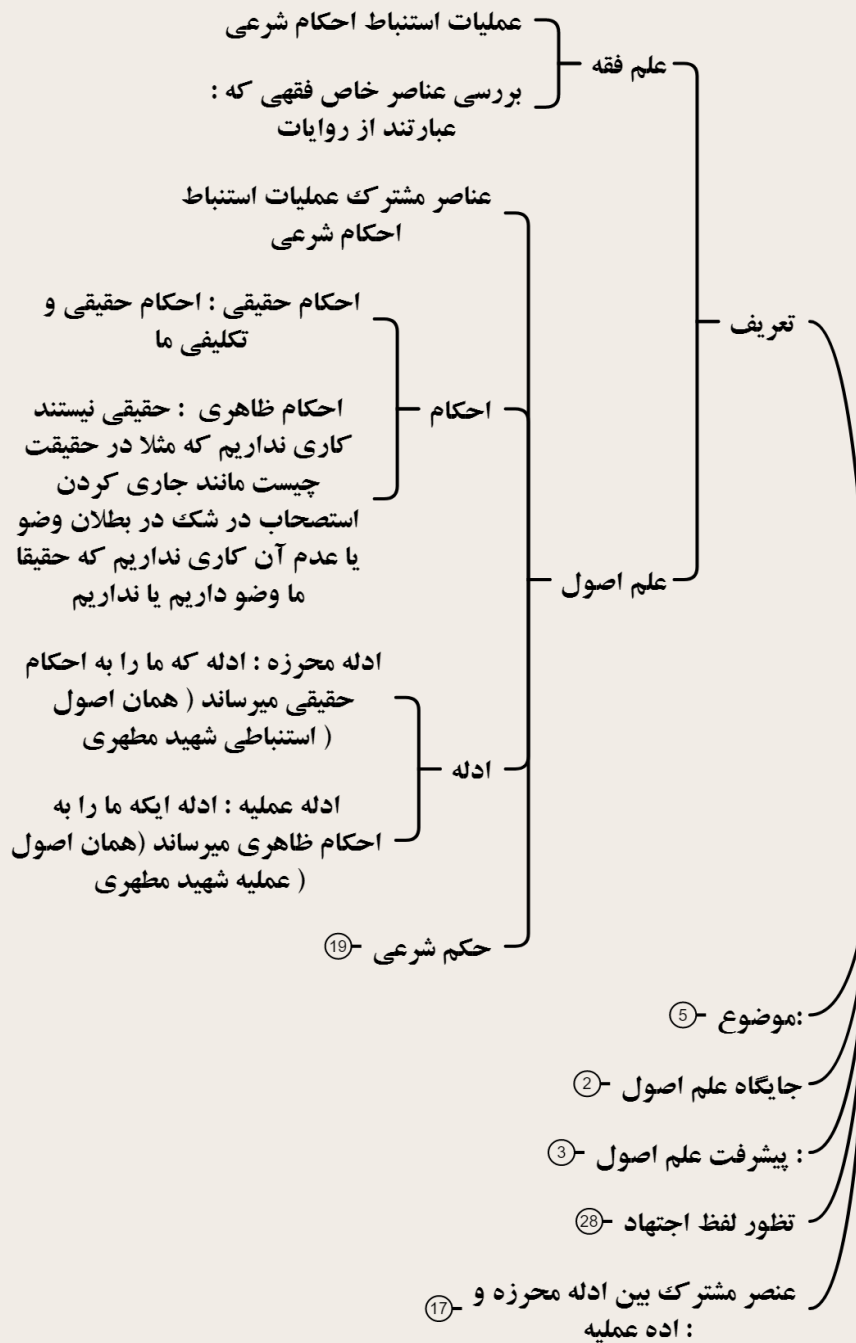
ادله عملیہ

خلاصہ الدروس فی علم الاصول (حلقہ اولی)

مرحوم آیت اللہ شہید سید محمد باقر صدر

رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

محمد رضا فضلعلی مرداد ۱۳۹۷



# اصول فقه

مقدمات

ادله محرزه

ادله عملیه

علم فقه - 2

تعریف

علم اصول

عناصر مشترک عملیات استنباط احکام شرعی

احکام - 2

ادله - 2

شهید صدر: هر قانونی صادر میشود از سوی خدای متعال برای تنظیم زندگی بشر

دیگر علما: خطابات شرعیه در کتاب و سنت که آشکار میکنند حکم را و حکم از آن کشف میشود

حکم شرعی

اشکالات شهید صدر به تعریف علما

ما یک حکم شرعی داریم و یک بیان شرعی داریم و این بیان ها در آیات و روایات غیر از خود حکم است و برخی این دو را خلط کردند

اشکال دیگر شهید: احکام شرعی فقط مخصوص افعال مکلفین نیستند بلکه گاهی به افعال مربوط است و گاهی مربوط است به یک وضعیتی در خارج

انواع:

حکم تکلیفی: اقم الصوة، اتوا الزکوة  
تقسیم بندی به احکام خمس

- : وجوب — میخواهد انجام شود و عدم آن عقوبت ( دارد(بعث مع الازام
- : استحباب — میخواهد انجام شود و عدم آن عقوبت ( ندارد(بعث دون الازام
- : حرام — میخواهد انجام ندهیم و انجام آن ( عقوبت دارد(انزجار مع الازام
- : کراهت — میخواهد انجام ندهیم و انجام آن موجب عقوبت نمیشود(انزجار دون الازام
- : اباحه — نه خواسته است فعل یا ترک آنرا

حکم وضعی: عدل الحاکم، رجس و... الخمر و

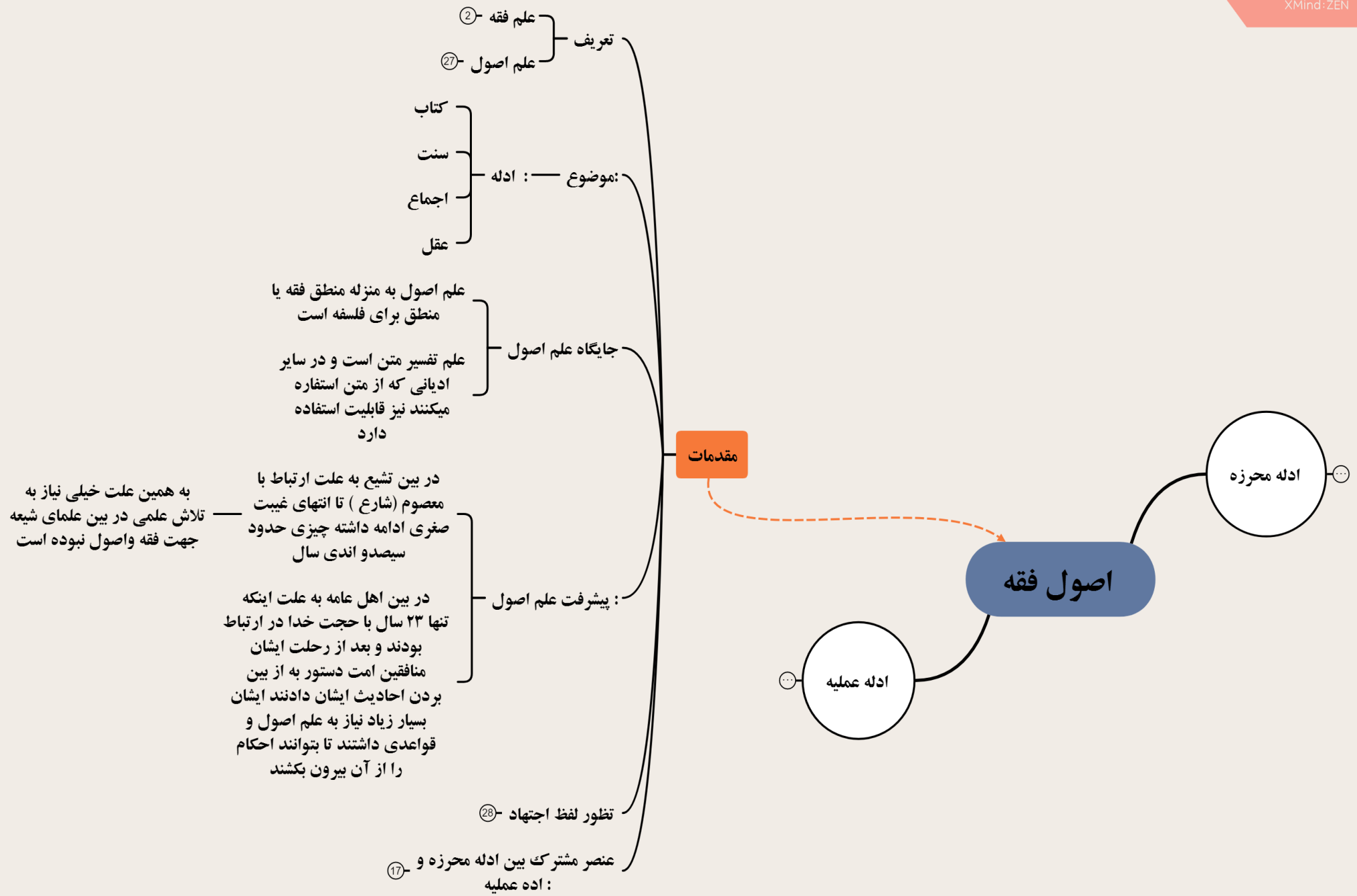
موضوع - 5

جایگاه علم اصول - 2

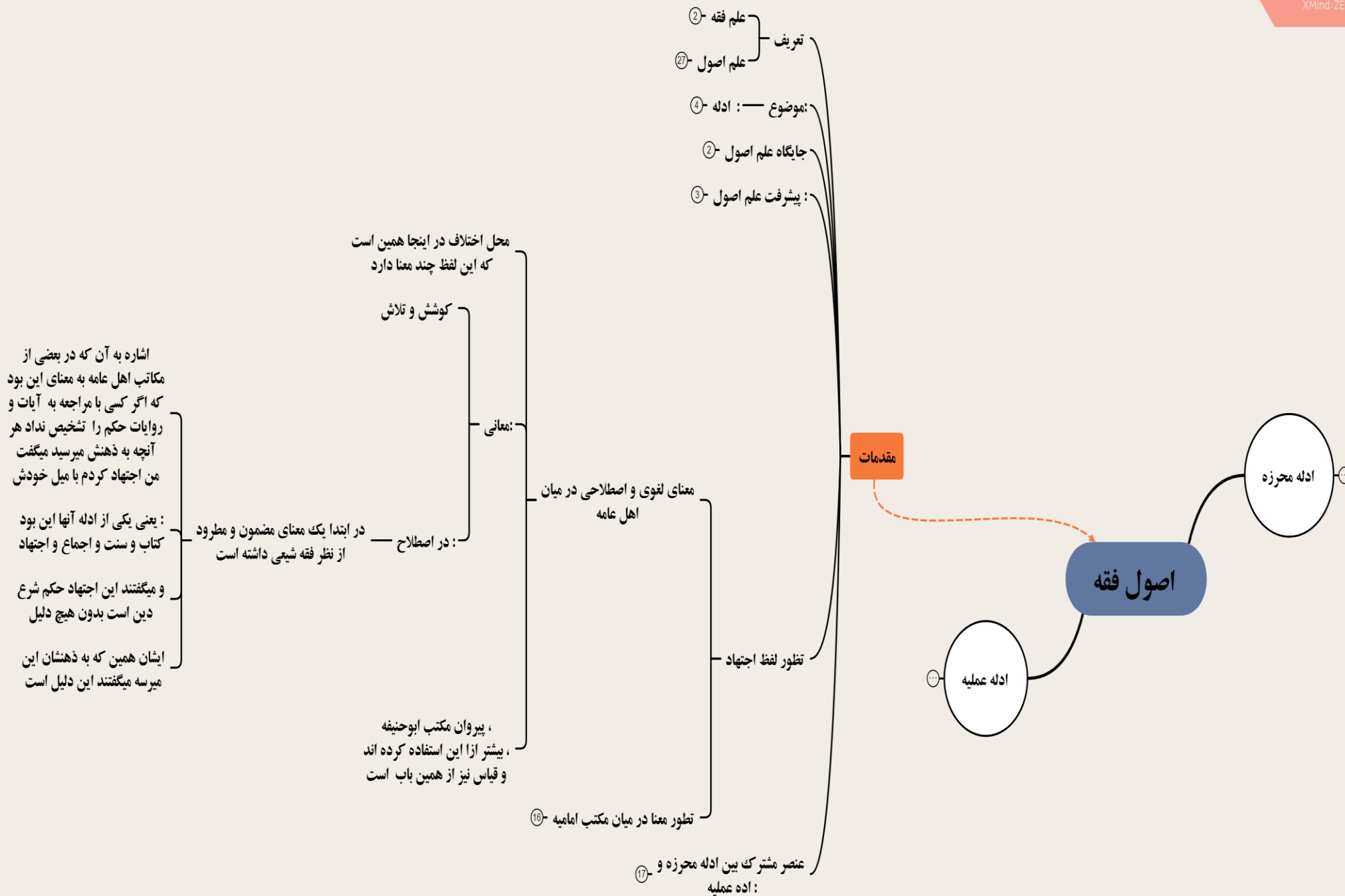
پیشرفت علم اصول - 3

تطور لفظ اجتهاد - 28

عناصر مشترک بین ادله محرزه و 17  
اده عملیه







- تعریف
  - علم فقه - 2
  - علم اصول - 27
- موضوع : ادله - 4
- جایگاه علم اصول - 2
- پیشرفت علم اصول - 3

معنای لغوی و اصطلاحی در میان اهل عامه 10

عبدالله بن عبد الرحمن زبیری از اصحاب امام صادق علیه السلام  
الاستفاده فی الطعون علی الاوائل والرد علی اصحاب الجتهاد والقیاس

هلال بن ابراهیم از اصحاب امام صادق علیه السلام : الرد علی من رد علی آثار الرسول واعتمد علی نتائج العقول

اسمعیل ابن علی ابن اسحق : نویختی در زمان غیبت صغری کتابی در ردعیسی بن ابان در باب اجتهاد مینویسد

ائمه علیهم السلام نیز با این مخالفت کردند و تا زمان محقق حلی در قرن هفتم با همین وضع بوده ، که اصحاب ائمه علیهم السلام کتاب مینوشتند در رد اجتهاد

مانند :

تطور لفظ اجتهاد

مقدمات

اصول فقه

ادله محرزه

ادله عملیه

تطور معنا در میان مکتب امامیه

همچنین سیره علما تا قبل از قرن هفتم نیز چنین بوده

شیخ صدوق (اواسط قرن 4) : با استناد به داستان جنابین خضر و موسی علیهما السلام ایشان حضرت موسی که معصوم بود با عقل خود نمیتوانست کارهای جناب خضر علیه السلام برداشت کند و چطور ما میتوانیم به عقل ناقص خود چطور میتوانیم حکم شرع کنیم

شیخ مفید (قرن 4 اواخر) : کتاب الرد علی بن حنید

سید مرتضی (قرن پنجم) : اجتهاد را مذمت میکنند ، و میگویند فقه امامیه ظن و گمان بر اشون جایز نیست و نه عمل را یو عمل به اجتهاد یا در کتاب الانتصار ، به این جنید کنایه میزند (این جنید بعدا شیعه شده است ولی باز هم بعد از تشیعش باز هم مقدرای به همان روش قبلیش عمل میکرد) یا در جای دیگری در باب مسح بر روی پا میگوید : ما قائل به اجتهاد نیستیم

شیخ طوسی : ان القیاس و الاجتهاد لیس عنا دلیلین بل محذور فی ( الشریعة ) مضمون

ابن ادریس حلی (قرن 6) : اجتهاد را به صراحت رد میکنند ، که این هیچ مرجه مقبولی نزد ما نیست

در اصطلاح برای اولین بار در کتاب معارج محقق حلی است که 5 : با معنای جدید

عنصر مشترک بین ادله محرزه و 17 : ادله عملیه

# اصول فقه

ادله محرزہ

ادله عملیه

## مقدمات

- تعریف
  - علم فقه - 2
  - علم اصول - 27
- موضوع: ادله - 4
- جایگاه علم اصول - 2
- پیشرفت علم اصول - 3

معنای لغوی و اصطلاحی در میان اهل عامه 10

### تطور لفظ اجتهاد

اتمه علیهم السلام نیز با این مخالفت کردند و تا زمان محقق حلی در قرن هفتم با همین وضع بوده ، که اصحاب ائمه علیهم السلام کتاب مینوشتند در رد اجتهاد

مانند - 3

همچنین سیره علما تا قبل از قرن هفتم نیز چنین بوده

5

تطور معنا در میان مکتب امامیه

محقق (قرن 7): و هو غی عرف الفقها و هو الجهد فی استخراج المسائل الشریعه و بهذا الاعتبار الاستخراج من ادلة الشرع اجتهاد لانها تبینی الاعتبارات النبویه لیست من ظواهر النصوص فان قبل ان یکون الامامیة اهل الجتهاد ؛ قلنا والامر کذلک لکن فیها ایهام ، فان استثنی القیاس فنا اهل الجتهاد

در اصطلاح برای اولین بار در کتاب معارج محقق حلی است که : با معنای جدید

تفاوت های تعریف محقق حلی از اجتهاد با تعریف در زمان ما

دیگر از زمان ایشان به معنای دلیلی مانند کتب و سنت نیست بلکه به روش استخراج از کتب و سنت گفته میشود از بیان ایشان نیز مشخص است آن زمان هوز هم یک سری رگه های منفی از معناس اصطلاحی قبلی نیز هست یک نوع کراهتی ....

نکته دیگر این که ما امروزه هر استنباطی را اجتهاد میگوییم ولی محقق حلی میگوید هر استنباطی که مشکل است و نیز به تلاش دارد را اجتهاد میگوید

از طرفی ایشان به استخراج حکم شرعی واقعی را اجتهاد میگویند برخلاف ما که استنباط حکم شرعی ظاهری را نیز اجتهاد میگوییم

عنصر مشترک بین ادله محرزہ و 17 : ادله عملیه

# اصول فقه

ادله محرزہ

ادله عملیه

## مقدمات

- تعریف
  - علم فقه - 2
  - علم اصول - 27
- موضوع : ادله - 4
- جایگاه علم اصول - 2
- پیشرفت علم اصول - 3
- تطور لفظ اجتهاد - 29

این در حقیقت همان حجیت علم است

هیچ قسمتی از علم اصول نیست مگر اینکه با این مطلب ارتباط پیدا میکند (استاد)

مراد از قطع: کشف از قضایا به حدی است که هیچ شکّی در آن نباشد

ایجاد علم میکند

معذوریت: ایجاد معذوریت بودن برای عبد (مثلا که یقین دارد که اون مایع شراب نیست ولیکن میخورد و میبیند شراب است و اون دیگه معذور است

منجزیت: یعنی تکلیف را قطعی میکند، و عذر را از بین میبرد و راه تنبه و عقاب مولا برای عبد را باز میکند

تجری: کسی که یقین به عصیان یک مطلب دراد و عمل میکند و میبیند که آن عمل حرام نوبده او گناه کرده است ولی دال بر سستی ایمان او است

## (حجیت قطع) یقین

علم صد در صد و یقینی : جنبه های مختلف قطع

حجیت قطع عقلا ثابت است زیرا مولا حق طاعت دراد در آن چه که ما علم داشته باشیم

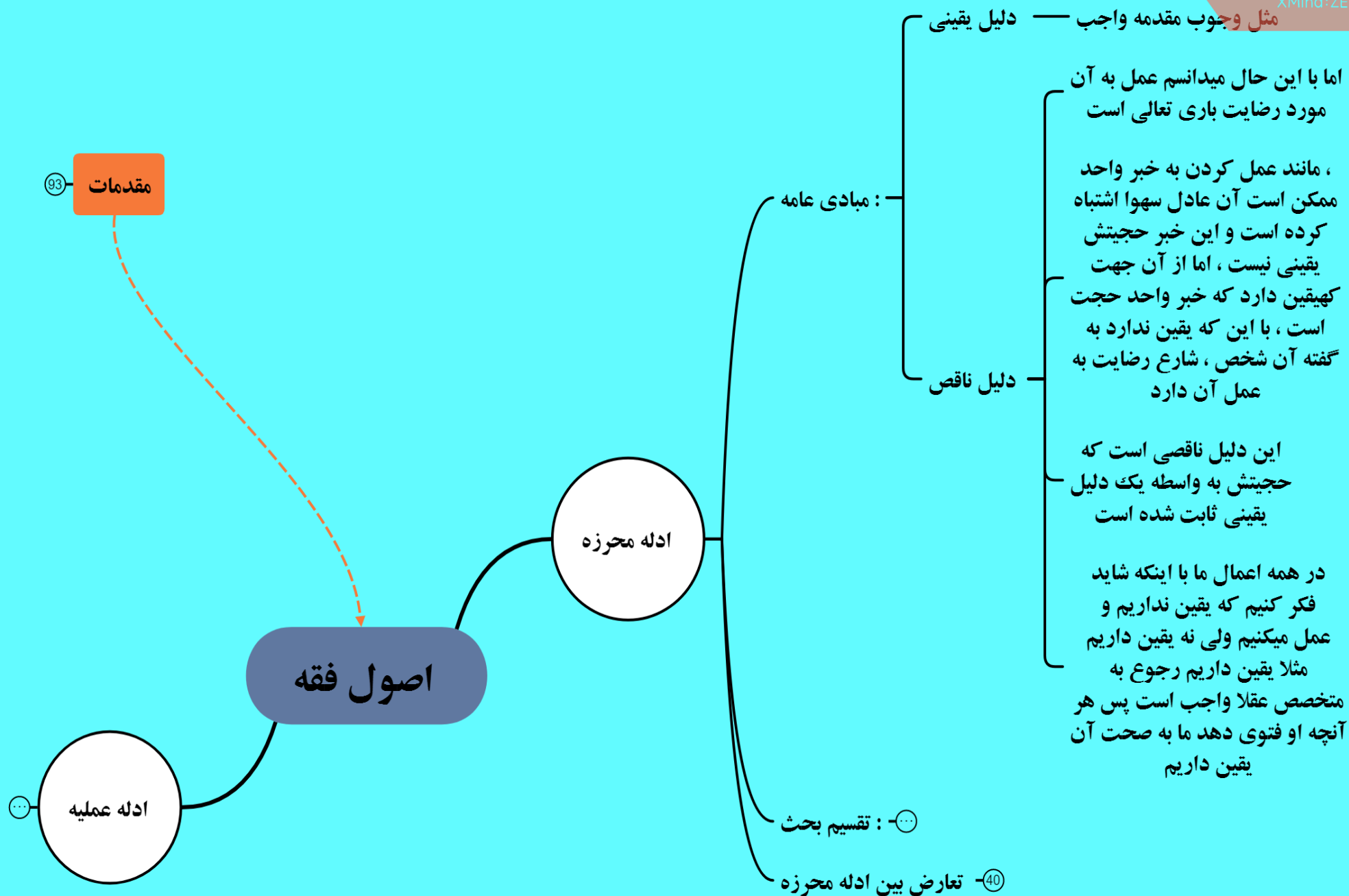
مولا: در مواردی به موارد اجازه عقاب را میدهد

عبد: در مواردی به عبد معذوریت میدهد

سوال: اگر قطع حجت است و مولا نمی تواند عبد را بر حذر بدارد، آیا شارع دیگر نمی تواند تنبیه بکند؟

اولا قطع حجت است اما باید برای شخصی که با قطع اشتباه کاری کرد مولا میتواند او را تذکر دهد و در اینصورت قطع از بین برود

عنصر مشترک بین ادله محرزہ و ادله عملیه



⑦ - مبادی عامه

کلمه ای که برای مطلبی وضع شده دلالت به آن معنا میکند

دلالت یعنی چیزی که از علم به او علم به مدلول حاصل شود

نظر شاذ : الفضا ذاتا به گونه ای هستند که ذاتا دلالت بر یک معنا میکنند ، یعنی کسی نیومده اینجا اینها را وضع کند که آب و واتر و ماء خودشون فی نفسه معنای آب میدهند و کسی آنرا وضع نکرده است (این درست نیست واقعا ، زیرا در صورت صحت این نظر باید الفاظ در همه جا و همه زبان ها یکی باشند که اینطور نیست )

نظر اکثر و صحیح : هر زبان یک نفری یا یک گروه و ... ایجاد کننده ای دارد و برای هر لفظ یک معنی وضع کردند یا برعکس

وضع : تخصیص اللفظ بر معنا به طوری که ذهن ما از استعمال لفظ منتقل بر معنا شود

④ - شهید صدر : چه ساز و کار و مکانیزی برای دلالت یک لفظ بر معنا هست ؟

②⑥ - استعمال

①⑦ - تقسیم بندی لغة به اسمیه و حرفیه

②⑨ - مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

③⑦ - دلالت هایی که علم اصول از آن بحث میکند

دلالت

لفظی

②② - حجیت ظهور

②② - اثبات الصدور

①⑨ - غیر لفظی

ادله شرعی

①① - ادله عقلی

: تقسیم بحث

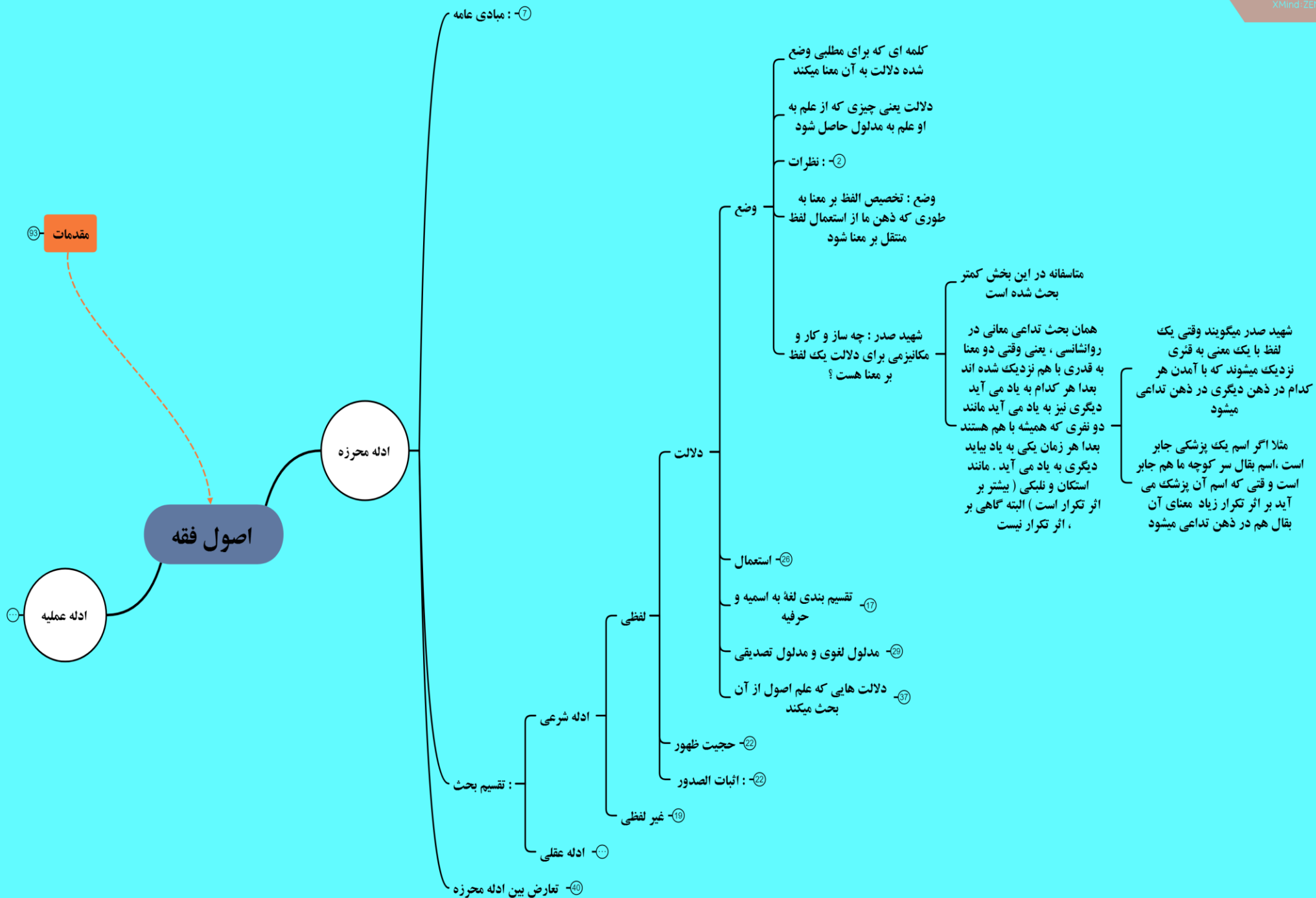
④① - تعارض بین ادله محرزه

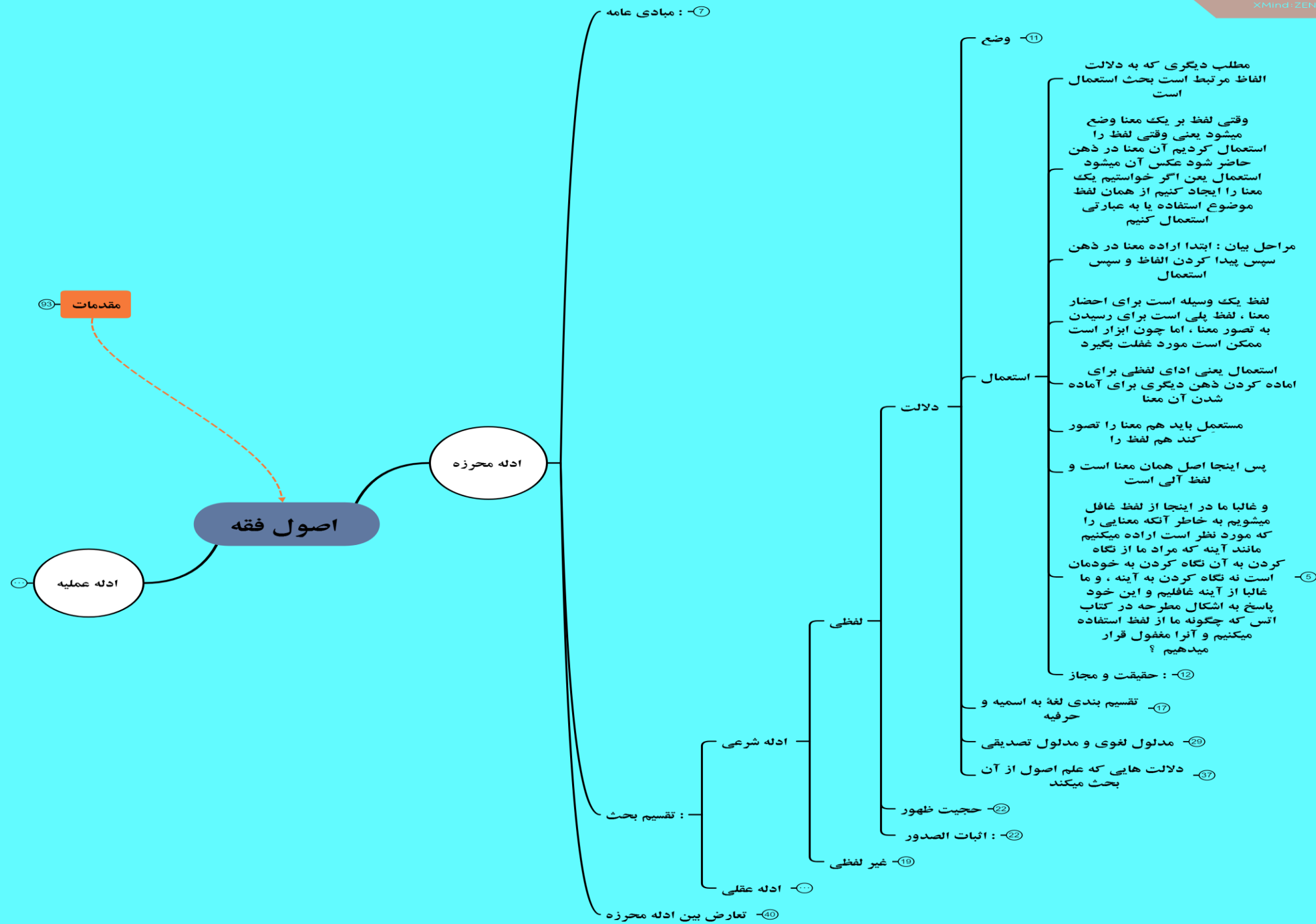
ادله محرزه

اصول فقه

مقدمات ⑨③

ادله عملیه ①①







# اصول فقه

ادله محرزہ

مقدمات ⑤

ادله عملیہ ⑥

⑦ - مبادی عامہ

⑧ - تقسیم بحث

⑨ - تعارض بین ادله محرزہ

لفظی

ادله شرعی

ادله عقلی

دلالیت

⑩ - وضع

استعمال

دلالیت

لفظی

ادله شرعی

ادله عقلی

مطلب دیگری که به دلالت الفاظ مرتبط است بحث استعمال است  
وقتی لفظ بر یک معنا وضع میشود یعنی وقتی لفظ را استعمال کردیم آن معنا در ذهن حاضر شود عکس آن میشود استعمال بعن اگر خواستیم یک معنا را ایجاد کنیم از همان لفظ موضوع استفاده یا به عبارتی استعمال کنیم

مراحل بیان : ابتدا اراده معنا در ذهن سپس پیدا کردن الفاظ و سپس استعمال

لفظ یک وسیله است برای احضار معنا ، لفظ پلی است برای رسیدن به تصور معنا ، اما چون ازار است ممکن است مورد غفلت بگیرد

استعمال یعنی ادای لفظی برای آماده کردن ذهن دیگری برای آماده شدن آن معنا

مستعمل باید هم معنا را تصور کند هم لفظ را

پس اینجا اصل همان معنا است و لفظ آبی است

و غالباً ما در اینجا از لفظ غافل میشویم به خاطر آنکه معنایی را که مورد نظر است اراده میکنیم مانند آینه که مراد ما از نگاه کردن به آن نگاه کردن به خودمان است نه نگاه کردن به آینه ، و ما غالباً از آینه غافلیم و این خود پاسخ به اشکال مطرحه در کتاب اتس که چگونه ما از لفظ استفاده میکنیم و آنرا مغفول قرار میدهیم ؟

حقیقت : استعمال لفظ فی ما وضع له

مجاز : استعمال لفظ فی غیر ما وضع له ولکن یلزم التشبیه بین المعنی المجازی و معنی الحقیقی

کتابیه رجل بالاسد بالشجاعة

کتابیه عالم ربانی بالبحر لوسعه

لازم است که طوری باشد که با قرینه ای متبادر به ذهن شود که مراد موضوع له نیست بلکه معنای دیگری است

بعضی اوقات به علت کثرت استعمال ، معنای مجازی دیگر برای متبادر به ذهن شدن نیازی به قرینه ندارد که در این صورت دیگر این لفظ استعمالش مجازی نیست بلکه استعمال آن حقیقی است

حقیقی : به محض استعمال همون معنای موضوع له به ذهن میرسه  
مجازی : به محض استعمال مراد به ذهن نمیشود مگر با وجود قرائن

وضع تعیینی : که به واسطه کثرت استعمال موضوع له جدیدی برای لفظ ایجاد میشود و مورد بالا نیز از همین قسم است  
وضع تعینی : که یک واضح معنای جدید را جعل کند برای لفظ

⑪ - تقسیم بندی لغة به اسمیه و حرفیه

⑫ - مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

⑬ - دلالت هایی که علم اصول از آن بحث میکند

⑭ - حجیت ظهور

⑮ - اثبات الصدور

⑯ - غیر لفظی

⑰ - تقسیم بندی لغة به اسمیه و حرفیه

⑱ - مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

⑲ - دلالت هایی که علم اصول از آن بحث میکند

⑳ - حجیت ظهور

㉑ - اثبات الصدور

㉒ - غیر لفظی

# اصول فقه

ادله محرزه

مقدمات ⑪

ادله عملیه

⑦ - مبادی عامه

⑩ - تعارض بین ادله محرزه

تقسیم بحث

ادله شرعی

ادله عقلی

لفظی

غیر لفظی ⑩

دلالت

⑫ - مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

⑬ - دلالت هایی که علم اصول از آن بحث میکند

دلالت

تقسیم بندی لفظ به اسمیه و حرفیه

⑪ - وضع

⑫ - استعمال

در ادبیات ، کلمه به سه دسته اسم و فعل و حرف تقسیم میشود

در ادبیات ، کلمه به سه دسته اسم و فعل و حرف تقسیم میشود

اسم آنچه معنی مستقل دارد ( معنای اسمی دارد )  
حرف آنچه خود معنی مستقل نداشته است بلکه رابطه است بین دو اسم یا بیشتر (معنای ربطی دارد )  
اما در اصول کلمه تقسیم میشود به اسم و حرف یعنی به معانی اسمی و معانی حرفی

کلام ، و گاهی از آن جمله برداشته میشود  
جمله ای که تائیه باشد و یصح السکوت علیها باشد  
کلمات با هم گره خورده و کلام را تشکیل میدهند

ما برای دوری از اینکه هی بخواهیم جعل الفاظ کنیم به کل آنچه معنای مستقل دراد میگوییم معنای اسمی و آنچه معنای ربطی دارد میگوییم معنای ربطی مثلا در زید قائم خب حرفی در آن موجود نیست و لی میگوییم معنای حرفی آن اسناد است یا جمله اسمیه

⑫ - فعل ذو جنبتین است

جمله چه تائیه باشد و چه ناقصه مشتمل بر معنای حرفی است مثلا اگر زید آمد ، جمله ناقصه است و لی رابطه و معنای حرفی در آن نیز هست

رابطه اندماجیه : یعنی در جمله یک نسبت و رابطه آمده است مثلا میگوییم که شیخ مفید فخر شیعه در قرن چهارم میزیسته است ، خب در اینجا دو تا نسبت است ، یکی نسبت اولی نسبت و ربط فخر شیعه به شیخ مفید و این ،رابط اندماجیه است ، و با آمدن آن جمله ما یصح السکوت نمی شود و : حرف شهید اینجا این است که جمله ناقصه نیز در خود رابطه دارد ولی آن اندماجیه است و باعث تأمیت کلام نمیشود و فقط چند چیز را با هم گره میزند

در آن کلمه های با معنای مستقل است

در آن نیز رابطه ها یی با معنای غیر مستقل داشته باشم

مثلا زید قائم : زید و قائم هر دو معنای اسمی هستند ارتباط دهنده در اینجا اسناد است و رابط آن است

# اصول فقه

ادله محرزه

مقدمات

ادله عمليه

7- مبادی عامه

تقسیم بحث

ادله شرعی

ادله عقلی

40- تعارض بین ادله محرزه

- 11- وضع
- 12- استعمال
- 7- تقسیم بندی لغه به اسمیه و حرفیه

دلالت

مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

لفظی

37- دلالت هایی که علم اصول از آن بحث میکند

- 22- حجیت ظهور
- 22- اثبات الصدور
- 10- غیر لفظی

دلالت

دلالت تصویری

دلالتی که از وضع ناشی میشود  
ما از تصور لفظ معنا را تصور میکنیم و لفظ دال و معنا مدلول است

دلالت لفظ بر معنا دلالت لغویه است و سبب ایجاد آن وضع واضح است

لزومی ندارد حتما عاقل باشد و حتما بفهمد چه میگوید و مهم این است به محض ایارد لفظ معنا تصور میشه

دلالت تصدیقی

یک موجود ذی شعور یک مطلب را ایراد میکند با قصد و اراده

علاوه بر دلالت تصویری + یک اراده استعمالیه نیز برای ما ایجاد میکند یعنی دلالت بر چیزی اضافه بر دلالت تصویری دارد

اراده استعمالی

گاهی منظورش این نیست که ما همان را فهمیم ، بلکه مجازا میگوید : مثلا : از آسمان سنگ می بارد اشاره به باران شدید دارد

گاهی منظور او این است که ما هم : همان کلام را بفهمیم : الحق منتصر حق پیروز

10- جملات

مراحل مختلف دلالت لغویه

دلالت تصویری : حضور معنا عند حضور اللفظ

مجازی : دلالت تصویری + اراده استعمالی

دلالت تصدیقی : حقیقی : دلالت تصویری + اراده استعمالی + قصد جدی متکلم برای اینکه مقصد او همان است که گنت

تکنه : اصل بر این است که اگر یک شخص عاقل داره با ما صحبت میکنه بدون اینکه علانیم از مزاح در او باشد ، یعنی صحبت او جدی است نه شوخی

# اصول فقه

ادله مجرزه

مقدمات

ادله عملیه

①- مبادی عامه  
②- تقسیم بحث  
③- ادله عقلی  
④- تعارض بین ادله مجرزه

①- غیر لفظی  
②- ادله شرعی  
③- حجیت ظهور  
④- اثبات الصدور

①- دلالت های که علم اصول از آن بحث میکند  
②- دلالت

①- وضع  
②- استعمال  
③- تقسیم بندی لغت به اسمیه و حرفیه

مدلول لغوی و مدلول تصدیقی  
①- دلالت

مدلول لغوی و مدلول تصدیقی  
①- دلالت

①- دلالت  
②- مراحل مختلف دلالت لغویه  
③- خبریه  
④- جملات  
⑤- انشایه

به قصد اخبار هستند  
صدقی و کذب برداند

از واقعی خبر نمی دهد و با گفتن  
او همین الان مطلب ایجاد میشود  
مثل تعجب ، سوال ، مدح و ذم  
...شرطیه و

صدقی و کذب بردار نیست

به لفظ که مثلا ماضی یا مضارع  
ربطی ندارد بلکه با قرینه و  
فهمیده میفهمد

بعضی از الفاظ گاهی دال بر اخبار  
هستند برخی دال بر انشاء هستند

صاحب کفایه : این الفاظ مشترک  
اخبار یا انشا بودن آنها جز دلالت  
تصویری آنها نیست ، بلکه آن بر  
خواستار دلالت تصدیقی آن  
یعنی اراده استعمالی است

شهاد صدر : این مطلب در الفاظ  
مشترک ممکن است صحیح باشد  
اما در جایی که الفاظ به طور خاص  
برای یکی از این دو هستند  
دلالت تصویری بر انشا یا اخبار آن  
دارند مثلا هیچ کس از لا تذهب  
اخبار نمی فهمد و هیچ کس از ذهب  
انشاء نمی فهمد

# اصول فقه

## ادله محرزه

①- مبادی عامه

- ①- وضع
- ②- استعمال
- ③- تقسیم بندی لفظ به اسمیه و حرفیه
- ④- مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

دلالات  
دلالات هایی که علم اصول از آن بحث میکند

در علم اصول تک تک لفظ مورد بحث واقع نمی شود که هر کدام دال بر چیست ؟ ، بلکه از کلیاتی که در الفاظ مورد استفاده از آن استفاده میشود بحث میشود :

منظور یعنی هیئاتی است که دال بر امر میکند و عرب از آن امر میفهمد

صیغه امر

( دال بر وجوب دارد (اصولیون) — امر دال بر چیست ؟ )  
شهادت صدر : این مطلبی که ایشان میگویند صیغه امر دال بر وجوب دارد این منظورشان این نیست که معنای صیغه امر معنایی مترادف و مساوی با وجوب است ، یعنی اینکه معنای اسمی دارد بلکه آن دال بر یک معنای حرفی میکند که آن از مصادیق وجوب است چون هیئات فعل دال بر امر نیست ، و آن معنای وجوب یعنی از آن صیغه امر یک ارتباط ، یک نسبت فهمیده میشود که در مخاطب چیزی را ایجاد میکند ، یعنی نمی توانیم بگوییم ، ضرب یعنی واجب است که بزنی این درست نیست بلکه باید گفت ؛ یک نسبتی هست و آن نسبت دلالت بر وجوب میکند به نسبت ارسالی میگویند یعنی شخص را منبث میکند برای انجام آن کار

اصل معنا وجوب است و با قرآن باید خلاف آن که مثلا استحباب است مشخص شود

انواع دلالتی که علم اصول از آنها بحث میکند :

منظور یعنی هیئاتی است که دال بر نهی میکند و عرب از آن نهی میفهمد

صیغه نهی

اصولیون : دال بر حرمت است  
تکته شهادت صدر دوباره اینجا تکرار میشود  
اصل بر آن است که نهی دال بر حرمت است اما با قرینه دال بر گواهد نیز است

①- اطلاق

②- ادوات العموم

③- اداة شرط

لفظی

ادله شرعی

- ②- حجیت ظهور
- ③- اثبات الصدور

④- غیر لفظی

①- ادله عقلی

تقسیم بحث

⑤- تعارض بین ادله محرزه

⑥- مقدمات

⑦- ادله عملیه

# اصول فقه

## ادله محرزه

- ⑦ - مبادی عامه
- ⑧ - تعارض بین ادله محرزه
- ⑨ - ادله عقلی
- ⑩ - تقسیم بحث
- ⑪ - ادله شرعی
- ⑫ - ادله عملیه
- ⑬ - مقدمات

- ①- وضع
- ②- استعمال
- ③- تقسیم بندی لفظ به اسمیه و حرفیه
- ④- مدلول لغوی و مدلول تصدیقی

## دلالات

در علم اصول تک تک لفظ مورد بحث واقع نمی شود که هر کدام دال بر چیست ؟ ، بلکه از کلیاتی که در الفاظ مورد استفاده از آن استفاده میشود بحث میشود :

دلالات هایی که علم اصول از آن بحث میکند

## انواع دلالتی که علم اصول از آنها بحث میکند

- ①- صیغه امر
- ②- صیغه نهی

## اطلاق

یعنی بیان امر و نهی بدون هیچ قیدی :  
مثلا اگر شارع امر میکند بنده ای را آزاد کن ، اگر شخص : غلام یا کنیز مسلمان یا غیر آنرا آزاد کند بری الذمه است  
مثلا : احل الله البیع ؛ یعنی هر بیعی را حلال کرد هر آنچه لفظ بیع بر آن بار میشود

## ادوات العموم

- کلی
- جمیع
- تکره در سیاق نفی
- صیغه جمعی که محلی به ال است
- افاده عموم میکند مانند اکرم العلماء با اکرم کل عالم یکی است مانند اولوا بالعقود که محلی به ال است (برخی از اصولیون ، اما برخی دیگر میگویند : اکرم العالم با اکرم العلماء یکی هستند و اینکه گاهی افاده عمومیت میکند به خاطر اطلاقش است نه به خاطر آمدن ال)
- در اطلاق از عدم تقیید عمومیت آن فهمیده میشود
- اما در اینجا با الفاظی عمومیت را متوجه میشویم
- سلبی : اطلاق است
- ایجابی : با آمدن الفاظ کل و جمیع و ....

## اداء شرط

- مثل : إذا زالت الشمس فصل (وجوب نماز مشروط شده به زوال شمس)
- تعلیق یک جمله شرطی به جمله (دیگر جزا)
- مثل : إذا احرمت للحج فلا تطیب (حرمت نماز مشروط شده به محرم شدن برای حج)
- تحقق جزء عند تحقق الشرط (تحقق وجوب نماز عند تحقق زوال الشمس) (منطوق)
- دلت های جمله شرطیه
- انتفاء جزء عند انتفاء الشرط (تحقق عدم وجوب نماز عند عدم تحقق زوال شمس) (مفهوم)

## لفظی

- ②- حجیت ظهور
- ③- اثبات الصدور
- ⑩- غیر لفظی

## ادله عقلی

④- تعارض بین ادله محرزه

⑦- میادی عامه

③- دلالت

ظهور حجت است یعنی اصل آن ، معنایی است که در ظاهر است ، مثلا امر ظهورش در وجوب است ، برای اثبات استحباب و عدم وجوب ، قرینه میخواهیم

الفاظ دلالت تصوری آنها در ذهن ما ایجاد معنا میکنند ، همان حجت است و بدون قرینه نمیشود چیزی دیگری از آن لفظ فهمید

اصحاب اهل بیت علیهم السلام سستشان این بوده و ظهور متنو نص را حجت میدانستند و به ظهور اصلی نص عمل میکردند

ادله برای حجیت ظهور

ادله برای حجیت ظهور :  
انمه علیهم السلام به این کار ایشان التفات داشتند و در برابر این مطلب نهی نفرمودند که این سکوت ایشان خود نشان بر تقریر معصومین علیهم السلام به صحت این امر دارد

فقط یک معنی برای لفظ است و (همان معنا را میگیریم) نص

اگر یک لفظ چند معنا باشد و هیچ یک هم رجحان ندارد (لفظ مجمل) مانند عین که معانی مختلف زیاد دارد

حجیت ظهور

حالات مختلف لفظ و معنی : نسبت به هم

شهادت صدر : اگر ما یک کلام داریم و قسمتی از کلام قرینه است برای معنی حقیقی و قسمتی از کلام قرینه است برای معنی مجازی ، حال چه کنیم ؟

مثل ، اذهب الی البحر فی کل یوم و استمع الی حدیثه بالهتمام

در اینجا تیکه اول دال بر معنای حقیقی بحر یعنی دریاست و تیکه دوم دال بر معنای مجازی آن یعنی بحر علم است

در اینجا ما باید کل کلام را ببینیم که منظور از کل آن چیست ، اگر آنرا به یک عرب بدهیم ، چی از آن برداشت میکند مثلا در مثال واقعا خود انسان هم از آن از لفظ بحر عالم را برداشت میکند

حقیق : البته شاید این طور هم بتوان گفت که هر روز به نزد دریا برو و به سخن او (صدای امواج و مرغان آبی و...) ندای توحیدی آن با هتمام گوش کن

①- انواع قرینه

①- انواع قرینه

حالیه : با توجه به حالت متکلم و شخصیت او و دیگر چیزها

②- اثبات الصدور

⑩- غیر لفظی

③- ادله عقلی

⑩- تعارض بین ادله محرز

ادله محرز

اصول فقه

⑩- مقدمات

③- ادله عملیه

# اصول فقه

## ادله محرزه

### مقدمت

### ادله عملیه

### ①- مبادی عامه

### ②- تعارض بین ادله محرزه

### ○ دلالت

ظهور حجیت است یعنی اصل آن ، معنایی است که در ظاهر است مثلا امر ظهورش در وجوب است ، برای اثبات استحباب و عدم وجوب . قرینه میخواهیم

الفاظ دلالت تصویری آنها در ذهن ما ایجاد معنا میکند ، همان حجیت است و بدون قرینه نمیشود چیزی دیگری از آن لفظ فهمید

اصحاب اهل بیت علیهم السلام سستشان این بوده و ظهور متنو نص را حجیت میدانستند و به ظهور اصلی نص عمل میکردند

#### ادله برای حجیت ظهور

ائمه علیهم السلام به این کار ایشان التفات داشتند و در برابر این مطلب نهی نفرمودن که این سکوت ایشان خود نشان بر تقریر معصومین علیهم السلام به صحت این امر دارد

فقط یک معنی برای لفظ است و (همان معنا را میگیریم نص)

اگر یک لفظ چند معنا باشد و هیچ یک هم رجحان ندارد (لفظ مجمل) مانند عین که معانی مختلف زیاد دارد

#### حالات مختلف لفظ و معنی : نسبت به هم

یک لفظ دارای معانی متعدد است ، یک معنا معنای ظاهر است اما برخی معانی مجازی هستند ، در اینجا دیگر کلام مبهم نیست و ما اینجا معنای ظاهری را ملاک قرار میدهیم مگر اینکه ثابت شود معنای مجازی براد است

شهادت صدر : اگر ما یک کلام داریم و قسمتی از کلام قرینه است برای معنای حقیقی و قسمتی از کلام قرینه است برای معنای مجازی ، حال چه کنیم ؟

مثل ، اذهب الی البحر فی کل یوم و استمع الی حدیثه بالهتمام

در اینجا تیکه اول دال بر معنای حقیقی بحر یعنی دریاست و تیکه دوم دال بر معنای مجازی آن یعنی بحر علم است

در اینجا ما باید کل کلام را ببینیم که منظور از کل آن چیست ، اگر آرا به یک عرب بدهیم ، چی از آن برداشت میکند مثلا در مثال واقعا خود انسان هم از آن از لفظ بحر عالم را برداشت میکند

حقیر : البته شاید این طور هم بتوان گفت که هر روز به نزد دریا برو و به سخن او (صدای امواج و مرغان آبی و...) ندای توحیدی آن با هتمام گوش کن

### لفظی

### حجیت ظهور

### ادله شرعی

### تقسیم بحث

### ادله عقلی

یعنی مثلا در جمله بعد یا همان جمله با قرینه معنای قبلی را روشن میکند در اینجا کلام با قرینه ظهور دارد

قرینه در جمله دیگر بیان میشود و جمله جمله قبلی را روشن و تبیین میکند در این جا کلام اصلی اول ظهور پیدا میکند

لفظیه : در لفظ ظاهر میشود ، انواع قرینه  
حالیه : با توجه به حالت متکلم و شخصیت او و دیگر چیزها

### ②- اثبات الصدور

### ③- غیر لفظی

### ادله عقلی



# اصول فقه

ادله محرزه

مقدمات ⑬

ادله عملیه ⑭

⑦ - مبادی عامه

تقسیم بحث

⑩ - تعارض بین ادله محرزه

⑩ - غیر لفظی

ادله شرعی

⑧ - ادله عقلی

لفظی

- ① - دلالت
- ② - حجیت ظهور

اثبات الصدور

در قرآن کریم که مشکلی نداریم

روش ها — اما در روایات باید کاملا بررسی شود

تواتر :

یعنی به قدری از اصحاب نقل شود که امکان اجماع اوئها و تبانی ایشان بر کذب محال باشد و شرط آن کثرت رواة در هر طبقه است نه اینکه مثلا صد نفر از یک نفر نقل کنند این تواتر نیست مثلا بیت نفر راوی مختلف در هر نسل داشته باشد

یا اشتباه کرده است  
یا روایتی در نزد او بوده که به واسطه آن فتوا داده است

هر فقیهی باید خود به نظر برسد ، مه اینکه از دیگری تقلید کند

اما یک فقیه با روایات به مطلبی نمی رسد ولی در السنه فقها میبیند که همه از قدما و متاخرین به آن فتوا داده اند فلذا برای او روشن میشود که این دلیلی داشته است

یا از روی شهرت است ؛ یعنی اکثریت یک چیز را بگویند

این دو معید هستند و اجماعی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد

اجماع و شهرت :

سیره متشرعین

سیره متدینن در حضور معصومین داشتنند (شهادت مطهری این را به عنوان اجماع مطرح کرده و این را فقط حجت میداند)  
این مطلب شرط کثرت متدینین است که به آن عمل میکردند

خبر واحد :

عادل ؛ کسی که گناه نمی کند ، اما برخی امانی بودن را شرط میدانند و برخی شرط نمیدانند

حقیقرا: بنظرم اصلا حجیت خبر واحد قابلیت اثبات با آیه نباء را ندارد ، زیرا در این آیه در رابطه عادل سکوت کرده و فقط حکیم فاسق را بیان کرده که تبیین کنید شاید راست بگوید شاید غلط بگوید

# اصول فقه

## ادله مجرزه

### مقدمات

### ادله عملیه

### ① - مبادی عامه

### ② - تقسیم بحث

### ③ - ادله عقلی

### ④ - تعارض بین ادله مجرزه

#### ادله شرعی

##### ① - لفظی

اگر فعلی را انجام دادن متوجه میشویم که آن (فعل حرام نیست (با شرایط

##### ② - فعل معصوم

اگر فعلی را در زمانش ترک کردن (میفهمیم آن فعل واجب نیست (با شرایط

##### ③ - تقریر معصوم

انجام فعلی در محضر معصوم به همراه ، التفات ایشان و عدم تقیه ایشان سکوت ایشان دال بر تایید است

##### ④ - غیر لفظی

کاری که عقلا به خاطر عقلائیستون انجام میدهند .

این دو با هم فرق دارند ؛ اما یک بخش مشترک با هم دارند و آن سیره عقلا و سیره مشرعیین دلیل است

#### کاری که متدینین به خاطر عقلائیستون انجام میدادند .

استاد : به نظر میرسد که شهید صدر رحمه الله علیه نظرشان بر این است که منظور از سیره مشرعیین همان کاری است که به خاطر عقلائیستون انجام میدن و الا به خاطر تشریح که خوب اگر مشخص شود نظر شارع چیست که همان شروع است و دیگر با سیره مشرعیین ثابت نمی شود

نکته : آن چه از سیره عقلا با برهان ثابت میشود همان نظر شرع است

اما برخی از آن با برهان ثابت نمی شود یعنی آن کار لزوما با برهان ثابت نمی شود مانند عرف عقلا

سیره عقلا بروز باید با شرع و اگر نشد با اصول عملیه ثابت شود

منظور از عقلا ، عقلا معاصر معصومین علیهم السلام است که آن کار ایشان مورد تھی اهل بیت علیه مالمسلم واقع نشده است

به نظر استاد خوب متوجه نشده اند ؛ زیرا ممکن است که ما معطلی مانند نمازی داشته باشیم و سیره مشرعیین به ما میرسد که ایشان مثلا نماز یکشنبه ماه ذی قعدة را میخواندند ، این که دیگر به خاطر عقلائیستون نیست

اما اشکالی به مطلب خودم و آن اینکه اگر نظر شهید این باشد پس این اشکال هم پیش می آید که آن سیره مشرعیین که در قسمت اداله مجرزه بحث سوم از مباحث الفاظ بیان شد ، آن چه بود ؟

الان متوجه شدم که آنجا به طور کلی بود و خاص الفاظ نبود چون تقریر و فعل نیز به طریق الفاظ به ما میرسد که خود فی نفسه غیر لفظی اند  
احتمالا برداشت استاد معظم غلط باشد

# اصول فقه

ادله مجرزه

مقدمات

ادله عملیه

①- : مبادی عامه

⊖ ادله شرعی

مقدمه

تضاد در بین اشیاء  
 رابطه سبب و مسبب  
 یکی از کارهای مهم عقل شناخت ارتباط بین اشیاء است که آنرا درک میکند ، مانند

می‌تواند از مطالب بالا و امثالهم رتبت اشیاء نسبت به چیزهایی را کشف کند  
 یکدیگر

همین کاری که عقل در رابطه با مسائل معمولی درک و کشف میکند مثل مواد بالا ، می‌تواند روابط شرعی را نیز درک کند

⊖ : تقسیم بحث

ادله عقلی

یعنی یک فعل دو حکم از احکام خصمه را داراست

شاید ممکن است یک شخص در آن واحد دو فعل انجام می‌دهد یکی حرام و یکی واجب ؛ مثلاً یکی در آن واحد هم شراب بخورد و هم زکات بدهد

نمیشود آیا میشود یک فعل دو حکم بر آن باشد ؟

فعلی که دو وصف دارد

آنجا که محل بحث است آنجاست که نه یک فعل واحد است و نه دو تا است

از جهت وضو ، استحباب یا واجب

نماز میخوانیم (واجب و فریضه ما ادا میشود)

نماز اول وقت میخوانیم در زمانی (میشود)

نملا پدر به ما امر کرده الان برو نون بخور

امر پدر را که مخاصمه با امر اله ندارد امتثال نمی کنیم بر تکب حرام شده ایم

از جهت نصب : حرام (به نظرم این مثال این جا غلط است زیرا وضو با آب غصبی باطل است و حرام ؛ یعنی اصلاً وضوئی نیست مثال مناسب :

وضو میگیریم و اسراف میکنیم

چون دو حیثیت دارد پس تابع آن است که دو تا کار است ، و هر کدام یک حکمی دراز از حیثیتی (جواز اجتماع امر و نهی

میگویند هم کار حرام را کرده و هم کار واجب را

نظر علما : مسجد را پاک میکنیم و اسراف میکنیم

ما نمی توانیم بگوییم دو تا فعل است و از طرفی اگر بگوییم یک فعل است نمی توانیم بگوییم دو تا حکم دارد و اینها بی گویند ( این یک فعل است و یک جهت دارد (اجتماع امر و نهی

ایشان در این زمان میفرمایند : آنها مثلا جانب حرمت را میگیرند (در مثال وضو) در صورتی که شرط وضو مباحثت آب نباشد ، میگویند امر حرام بر تکب شده است

ایشان میگویند : بوقی شارع انسان را از چیزی نهی کرده و با امر کرده ، قصدش امور انتزاعی فکری نیست بلکه قصدش فقط ، قانونگذاری عمل در خارج از انتزاع و فکر بوده ، تقسیم عمل از حیثیت ؛ یک بحث انتزاعی است

انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل

②- رابطه حکم وضعی با تکلیفی  
آیا حرمت باعث بطلان هم میشود ؟

①- حکم با موضوع

②- حکم با متعلق

③- رابطه بین حکم و مقدماتش

④- : داخل یک حکم

حکم و اشیاء خارجه از عالم تشریح

⊖ : تعارض بین ادله مجرزه

# اصول فقه

ادله محرزه

مقدمت

ادله عملیه

7- مبادی عامه

ادله شرعی

مقدمه

تضاد در بین اشیاء  
 رابطه سبب و مسبب  
 یکی از کارهای مهم عقل شناخت ارتباط بین اشیاء است که آنرا درک میکند، مانند  
 میتواند از مطالب بالا و امثالهم رتیب اشیاء نسبت به یکدیگر  
 چیزهایی را کشف کند  
 همین کاری که عقل در رابطه با مسائل معمولی درک و کشف میکند مثل موارد بالا، میتواند روابط شرعی را نیز درک کند

تقسیم بحث

ادله عقلی

یعنی یک فعل دو حکم از احکام  
 خمسه را داراست  
 شهید: ممکن است یک شخص در آن واحد دو فعل انجام میدهد یکی حرام و یکی واجب: مثلا یکی در آن واحد هم شراب بخوره و هم زکات بده  
 آیا میشود یک فعل دو حکم بر آن باشد؟  
 اینجا که محل بحث است آنجاست که نه یک فعل واحد است و نه دوتاست

دو حکم متضاد

آیا معامله حرام باطل نیز هست؟  
 رابطه حکم وضعی با تکلیفی  
 آیا حرمت باعث بطلان هم میشود؟

انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل

- 11- حکم با موضوع
- 12- حکم با متعلق
- 13- رابطه بین حکم و مقدماتش
- 14- داخل یک حکم
- حکم و اشیاء خارجه از عالم تشریع

14- تعارض بین ادله محرزه

اولا همیشه گفت هم حرامه و هم حرام نیست

- مانند: غش در معامله که حرام است و هم صحیح است
- مانند: طلاق ظهار که حرام است و هم به نوعی طلاق است که با پرداخت (کفاره زن به او حلال میشود (احتمالا)
- مانند: معامله ربوی: که حرام است بلکه باطل هم هست
- مانند: روزه در روزه عید قربان: هم حرام است هم باطل
- مانند: نماز خانم ها در حال عادت ماهانه: هم حرام است هم باطل
- مانند: ما نمیخواهیم که فلائی را ببینیم، اما فلائی آمد منزل ما اما وقتی آمد با اینکه ما از او خوشمان نمی آید، او را اگر ام میکنیم

نتیجه  
 نهی در معاملات باعث بطلان آن نمیشود (مگر اینکه برای بطلانش دلیل دیگری داشته باشیم، البته برخی از اصولیون فایند که نهی باعث بطلان است)  
 نهی در عبادات (در خود عبادت باعث بطلان نیز هست)

# اصول فقه

## ادله محرزه

⑦- مبادی عامه

### ادله شرعی

تضاد در بین اشیاء  
 رابطه سبب و مسبب  
 یکی از کارهای مهم عقل شناخت ارتباط بین اشیاء است که آنرا درک میکند، مانند

میتواند از مطالب بالا و امثالهم رتیب اشیاء نسبت به یکدیگر

همین کاری که عقل در رابطه با مسائل معمولی درک و کشف میکند مثل مواد را بالا، میتواند روابط شرعی را نیز درک کند

### ادله عقلی

⑧- دو حکم متضاد

مقدمه : والله علی الناس حج البیت ؛ طبق این آیه حج واجب است ، اما اگر کسی نباشد که حج برود یعنی هیچ مستطیع نباشد که به حج برود ، یا اینکه کسی نیست که حج برود ، این فعل به وجوب خود باقی است ولو اینکه مستطیع نباشد

یک حکم جعل شده است و آن حکم فعلیت پیدا میکند (در صورت ایجاد شدن موضوعش)

### حکم با موضوع

مانند: شخصی عاقل بالغ مستطیع شود حج بر او واجب است

مانند : شخص عاقل و بالغ که مریض و مسافر نباشد اگر بر ماه مبارک داخل شود روزه بر او واجب است

### انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل

تمام آن چیزی که برای به فعلیت رسیدن حکم لازم است میشود موضوع

موضوع سبب است و فعلیت حکم شرط به عمل آن است ؟

فوائد : موضوع سبب است

ترتیب : موضوع بعد حکم بعد علم به وجوب آن

نیست مثلا میگوییم بر چه کسی نماز واجب است میگوید عاقل بالغ که داخل پیر وقت نماز شده باشد + علم داشته باشد که نماز بر او واجب است ، این غلط است زیرا علم به وجوب مؤخر از حکم است ، و موضوع حکممقدم بر آن است اگر بخواهیم این را شرط کنیم به عنوان موضوع دور پیش می آید

### حکم با متعلق

آن چیزی که وجوب به آن تعلق گرفته است

یعنی وقتی موضوع محقق شده چیزی واجب یا حرام میشود

مانند : روزه و حج

موضوع را لازم نیست که ما ایجاد کنیم (اصلا بعضی از آنها بدست ما نیست تا آنها را ایجاد کنیم

فوائد : اما وقتی موضوع ایجاد شد لازم است که متعلق را ایجاد کنیم

خیر

شهاد صدر : هر حکمی محال است که برانگیزند مکلف را برای ایجاد موضوع

⑨- رابطه بین حکم و مقدماتش

⑩- : داخل یک حکم

حکم و اشیاء خارجه از عالم تشریح

⑩- تعارض بین ادله محرزه

## مقدمات

## ادله عملیه

# اصول فقه

## ادله محوره

### مقدمات

### ادله عملیه

#### ①- مبادی عامه

#### ②- ادله شرعی

#### تقسیم بحث

#### ادله عقلی

#### انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل

#### ⑩- داخل یک حکم حکم و اشیاء خارجه از عالم تشریح

#### ⑥- تقاضی بین ادله محوره

تضاد در بین اشیاء  
 رابطه سبب و مسبب  
 یکی از کارهای مهم عقل شناخت ارتباط بین اشیاء است که آنرا درک میکند، مانند  
 میتواند از مطالب بالا و امثالهم رتبت اشیاء نسبت به یکدیگر  
 چیزهایی را کشف کند  
 همین کاری که عقل در رابطه با مسائل معمولی درک و کشف میکند مثل موادر بالا، میتواند روابط شرعی را نیز درک کند

- ③- دو حکم متضاد
- ④- حکم با موضوع
- ⑤- حکم با متعلق

مقدماتی که وجود واجب بر آن : مقدمات توقف دارد

این همان موضوع است  
 مانند : استطاعت  
 مقدماتی که اصل وجوب بر آن توقف دارد

انواع مقدمات :  
 این مقدمات تحقق متعلق وجوب دخالت دارد  
 ...مانند : گرفتن ویزا و بلیط و برای رفتن به حج  
 مانند : ایجاد طهاره برای نماز  
 مقدماتی که وجود وجوب بر آن توقف دارد

عقلا که واجب است  
 این مقدمات شرعا واجب است و الزامی است  
 مثلا کسی که نماز نخوانده، دو گناه کرده هم نماز نخوانده و هم وضو نگرفته  
 : دو نظر  
 این مقدمات قطعاً عقلا واجب است

این مطلب را خود انسان چون با عقل میفهمد دیگر دستور دومی دادن و حکم شرعی دیگر برای مقدمه دادن عبت است

مانند : سلامت و اگر هم دستوری از شارع رسیده باشد آن دیگر حکم ارشادی است نه مولوی

برخی قائلند که این نمره عملی ندارد ولی بنظرم دارد

فوائد :  
 مانند : انسانی که مستطیع است و بر او حج واجب است عقلا مقدمات آن نیز واجب است یعنی لازم است که به گونه ایی به حج برود

این شخص میتواند هم به راه قانونی و هم به راه قاچاقی به حج برود و از هر طریق ایجاد مقدمات خود عقلا واجب است

تنها فایده در مورد داین شخص این است که اگر به حج نرفت آیا در رابطه با عدم انجام مقدمات حج هم عقاب میشود یا خیر ؟ والله العالم

شخص در حکومت اسلامی زندگمی نمیکند

شخص در حکومت اسلامی زندگمی میکند

همه قوانین حکومت اسلامی همان حکم الله است

اولا کار حرامی کرده چون خلاف قانون عمل کرده  
 ثانیا مقدمات انجام قاچاقی بر او واجب بوده عقلا

از راه قانونی رفتن مقدماتی دارد که چون میخواهد از آن راه برود عقلا واجب است

اما آن شخصی که به حج رفته قاچاقی ، و آن مقدماتی که شارع دستر به آن داده است را انجام نداده و کار حرامی کرده آیا عمل او ناقص است؟

مانند نماز که بدون مقدمه اش (طهاره) باطل است ؟

دستور داده که از راه قانونی برود  
 اما نکته دیگر اینکه : شارع دستور داده که از راه قانونی برود

# اصول فقه

ادله محرزه

مقدمات 33

ادله عملیه 34

7- مبادی عامه

30- ادله شرعی

مقدمه

تضاد در بین اشیاء  
رابطه سبب و مسبب  
یکی از کارهای مهم عقل شناخت ارتباط بین اشیاء است که آنرا درک میکند ، مانند  
میتواند از مطالب بالا و امثالهم رتبیت اشیاء نسبت به یکدیگر

همین کاری که عقل در رابطه با مسائل معمولی درک و کشف میکند مثل موادر بالا ، میتواند روابط شرعی را نیز درک کند

ادله عقلی

33- دو حکم متضاد

11- حکم با موضوع

10- حکم با متعلق

32- رابطه بین حکم و مقدماتش

گاهی یک فعل داریم مانند شنیدن تلاوت آیات سجده دارد یا قرائت آن و وجوب سجده

طبیعی است که در این گونه موارد انجام اجزاء آن نیز واجب است  
گاهی یک فعل مرکب داریم : وجوب نماز که متشکل از انجام رکوع و سجود تشهد قرائت و ... است

وجوب استقلالی : وجوب کل ترکیب مانند وجوب نماز  
انواع وجوب :  
وجوب ضمنی : وجوب اجزاء که در ضمن وجوب یک واجب استقلالی واجب شده اند

داخل یک حکم

اگر انسان در واجب مرکب یک جز واجب آن را انجام ندهد کل آن واجب صحیح نیست مثلا در وضو دست راست را نشوید

این اشخاص باید نماز بدون ذکر بخوانند

شهادت صدر : گاهی اوقات ما به جزئی توانایی نداریم ، مثلا کسی که لال است ، چگونه کل نماز را بجا آورد در حالی که نمی تواند قرائت کند  
حال آیا این با مطلب بالا منافات دارد ؟ خیر از او نمازی خواسته شده که مثلا ۱۰ واجب ضمنی دارد ولی از ما نمازی خواسته شده که ۲۰ واجب ضمنی دارد

یا ناقص العضو و نماز و وضو

حکم و اشیاء خارجه از عالم تشریح

40- تعارض بین ادله محرزه

# اصول فقه

## ادله مجرزه

- ①- مبادی عامه
- ②- تقسیم بحث
  - ③- ادله شرعی
  - ④- ادله عقلی
    - ⑤- مقدمه
    - ⑥- انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
- ⑩- تعارض بین ادله مجرزه

## ادله عملیه

### اصالة الاحتیاط العقلي

شارع مقدس در جایی که احکام از متن منابع دینی فهمیده نمی شود شارع دست فقیه و مکلف را باز گذاشته

فقط جهت فهمیدن وظیفه عملی از آن استفاده میکنیم

اصلا در مقام بیان احکام واقعی نیست ، اینجا فقط ما میخواهیم ببینیم وظیفه عملی ما چیست ؟

مقدمه

در جایی اگر ما شک کنیم که وظیفه ما چیست اصل بر این است که احتیاط کنیم

استاد شهید صدر از محدود علمایی است که قائلند اصل عملی عقلی اصالة احتیاط است (بخلاف اکثر علما که برانت را اصل عقلی میدانند و (شهید صدر قائلند که برانت با ادله شرعی ثابت میشود

احتیاط شرط عقل است چرا؟ زیرا همان دلیلی که میگوید باید از اوامر خدا اطاعت کرد به ما میگوید باید احتیاط کنیم

عقل میگوید که ما باید در برابر خدای ما که خالق ماست و همه چیز ماست باید مطیع باشیم

و همچنین عقل میگوید که جدای از انجام اوامر باید خوشنودی او را نیز به ارغمان بیآوریم ، و اصل بر این است که احتیاط کنیم تا مطمئن شویم تا نظر او تأمین شده است

به این مطلب گفته میشود اصالة الاحتیاط یعنی اصل این است که مشغول الذمیه است

برخی از علما دقیقا خلاف آنرا میگویند و میگویند که عقل میگوید در جایی که شارع از من چیزی نخواستنه اصالت با این است که ما مسئول نیستیم و اگر او میخواست که ما کاری را بکنیم باید به ما میگفت

و علت بیان ایشان این است که از عاقل قیح است که بدون اطلاع کسی را عقاب کند پس اگر میخواست که عباد کاری را انجام دهند بر او بود که عباد را آگاه کند و چون آگاه نکرده بندگان تکلفی ندارند

- انواع:
- ①- نتیجه : — علما دو دسته اند
  - ②- مثال :
  - ③- قبح عقاب بلا بیان

- ④- اصالة البرأنت الشرعی
- ⑤- قاعدة المنجز به العلم
- ⑥- استصحاب

تعارض بین ادله عملیه



# اصول فقه

## ادله محرزہ

- ① - مبادی عامه
- ② - تقسیم بحث
  - ③ - ادله شرعی
  - ④ - ادله عقلی
  - ⑤ - انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
- ⑥ - تعارض بین ادله محرزہ

## ادله عملیه

- ⑦ - مقدمه
- ⑧ - اصله الاحیاط العقلی
- ⑨ - انواع
- ⑩ - اصله البرائت الشرعی
- ⑪ - قاعدة المنجزية العلم
- ⑫ - استحباب
- ⑬ - تعارض بین ادله عملیه

## مقدمات

در جایی اگر ما شک کنیم که وظیفه ما چیست اصل بر این است که احتیاط کنیم

استاد شهید صدر از محدود علمایی است که قائلند اصل عملی عقلی اصالة احتیاط است (برخلاف اکثر علما که برائت را اصل عقلی میدانند و شهید صدر قائلند که برائت با ادله شرعی ثابت میشود)

احتیاط شرط عقل است! چرا؟ زیرا همان دلیلی که میگوید باید از اوامر خدا اطاعت کرد به ما میگوید باید احتیاط کنیم

چرا ما از اوامر خدا اطاعت میکنیم؟

شهادت صدر و محدودی دیگر: در جایی که تکلیف را نمی دانیم باید احتیاط کنیم

نتیجه: علما دو دسته اند: اکثر علما: در جایی که حکم را نمی دانیم اصل بر جاری کردن برائت است

ما در شرکتی مشغول کاریم و یک مشتری خیلی مهم می آید و آن شخصی که باید با قرار داد ببندد نیست و به من هم ابر نشده که با او قرار داد ببندم، اینجا احتیاط حکم میکند رضایت مولا در انجام و عقد قرارداد با وی است

همیشه اینطور نیست که روش عقلا این است که اصل برائت است تا آنجا که هم قائل به این شویم، این در رابطه با انسان و انسان ها است نه خدای تعالی که همه چیز ما اوست تبارک و تعالی

عقاب بلا بیان در سیره عقلا قبیح است  
شارع کنار قبیح انجام نمی دهد — شارع بدون بیان عقاب نمی کند

کجا در سیره عقلا عقاب بلا بیان صورت نمی برد مثلا در مثال بالبی که زدیم (مثال کارمند و مدیر) قطعاً اگر مدیر بیاید و ببیند که کارمند با آن تاجر قرار داد نبندد مدیر او را عقاب میکند و شهید قائل است که گاهی ما شک در حکمی داریم و نمی دانیم که حکم چیست، یعنی نمی بر ما نرسیده ولی زمانی میدانیم با اینکه اینجا حکم تکلیفی نیامده، در صورت ترک یا انجام ممکن است که عقاب شویم و لازم است احتیاط کنیم تا مطمئن شویم که رضایت مولا بدست آمده ولی گاهی بنظر میرسد که اگر هم نجام ندهیم اتفاقی نمی افتد آنجا لزومی ندارد که احتیاط بکنیم

- ⑭ - اصله البرائت الشرعی
- ⑮ - قاعدة المنجزية العلم
- ⑯ - استحباب

# اصول فقه

## ادله مجرزه

- ①- مبادی عامه
- ②- ادله شرعی
- ③- تقسیم بحث
  - ④- ادله عقلی
  - ⑤- مقدمه
  - ⑥- انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
- ⑦- تعارض بین ادله مجرزه

## ادله عملیه

انواع:

⑧- مقدمه

### اصالة الاحتياط العقلي - ⑨

در لسان شریعت دستور برائت است اگر چه عقل حکم به احتیاط کند

روایت رفع: که از امت من نه پیروز داشته شده است یکی آن که نمی دانند

آیه ۱۵ سوره اسرا: وما کنا معذین حتی نبعث رسولا

### اصالة البرائت الشرعی

اصالة الاحتياط عقلا و اصالة البرائت شرعا

اصالة الاشتغال عقلا و اصالة البرائت شرعا

### انواع شک

- اگر شک دراد که نماز عید واجب: شک حکمیہ — مثل وجوب نماز عید
- شبهه وجوبیه — است یا نه واجب نیست مگر به دلیل برسد
- شک موضوعیه — نمیداند مستطیع شده یا نه
- نمی داند که سیکار کشیدن حرام: شک حکمیہ — مثل حرمت استعمال دخانیات
- شبهه تحریمیہ — است یا نیست بنا را بر برائت میگذاریم
- شک موضوعیه — نمیداند آبی که میخواهد بخورد نجس است یا نه

### قاعدة المنجزية العلم - ⑩

⑪- استصحاب

⑫- تعارض بین ادله عملیه

# اصول فقه

## مقدمات

## ادله عملیه

### ادله معجزه

- ① - مبادی عامه
- ② - تقسیم بحث
  - ① - ادله شرعی
  - ② - مقدمه
  - ③ - ادله عقلی
  - ④ - انواع روایط احکام شرعی مستنبط عقل
- ③ - تعارض بین ادله معجزه

- ① - مقدمه
- ② - اصالة الاحتیاط العقلي
- ③ - اصالة البراءت الشرعی
- ④ - استصحاب
- ⑤ - تعارض بین ادله عملیه

### حکیم و موضوع

مع حالات علم و شک نسبت به علم همراه با شک :  
 ( الف نجس است یا لیوان ب ( علم اجمالی )  
 علم بدون شک : میدانیم نماز ظهر واجب است یا فلان آب نجس است ( علم تفصیلی محض )

### بطل بحث از شک همراه با علم

در اینجا ما علم داریم و تمنا علم اثر دارد ، ما علم داریم که مثلاً نماز واجب است یا نماز ظهر یا نماز جمعه و یا مثلاً در جایی که میدانیم آب یکی از آنها نجس است  
 در اینجا باید احتیاط انجام دهیم  
 یعنی علم اجمالی اینجا ملحق به علم تفصیلی میشود  
 منجزیت این علم ( علم اجمالی ) یعنی اثر میگذارد و مانع اثر گذاری شک میشود و نمی شود برائت جاری کرد  
 بهترین لفظی که نشان دهنده علم اجمالی است لفظ ( یا و اینها ) است ( یا و یا ) ما در جمله وقتی گفته میشود یکی از برادرانم به حج رفته است یا محمد یا علی ( نشان دهنده علم است به رفقن حج و لفظ یا فلالی یا فلالی شک ما را نشان میدهد

### قاعده المنجزية العلم

ممکن است بیک علم اجمالی را تبدیل کنیم به یک علم تفصیلی یا یک شک  
 در این صورت منجزیت آن از بین میرود

### اجتلال علم اجمالی

ماشک داریم که در بین این دو لیوان یکی از آنها نجس است و باید احتیاط کرده و از استفاده آنها اجتناب کنیم  
 شک بین نجاست یکی از دو لیوان : بعد از مدتی شخصی می آید و میگوید لیوان الف نجس شده است  
 در این صورت علم اجمالی ما تبدیل به یک علم تفصیلی شده که میدانیم کدام یک نجس و کدام یک پاک است  
 مثال :  
 مثلاً میدانیم نماز نه جز واجب دارد ولی شک داریم نه تا است یا ده تا ؛ مثل جلس استراحت که شک داریم واجب است یا واجب نیست

در بعضی مواقع علم اجمالی به راحتی مانند بالا منحل نمیشود : مانند شک اقل و اکثر  
 مثلاً شک داریم که باید سی روز یا بیست و نه روز و میدانیم که بیست و نه روز آن واجب است

در این جا از موارد علم اجمالی است و باید ده جز را بیاوریم یا نه جز را احتیاط میکنیم که یقین داریم درست است یعنی احتیاط به اکثر میکنیم و نمی توانیم علم اجمالی را منحل کنیم  
 احتیاط :  
 نظرات :  
 براءت اکثر اصولیون : شهید این عده علم اجمالی را تقسیم میکنند به دو دسته :  
 ( علم تفصیلی ) واجب نه جز نماز :  
 ( علم تفصیلی ) واجب با عدم و وجوب : در اولی عمل میکنیم و در دومی براءت جاری میکنیم ( جلس استراحت )

در اولی عمل میکنیم و در دومی براءت جاری میکنیم ( جلس استراحت )

# اصول فقه

مقدمت

ادله عملیه

ادله معجزه

- ① - مبادی عامه
- ② - ادله شرعی
- ③ - ادله عقلی
  - ④ - مقدمه
  - ⑤ - انواع روایط احکام شرعی مستنبط عقل
- ⑥ - تعارض بین ادله معجزه

- ① - مقدمه
- ② - اصالة الاحتیاط العقلي
- ③ - اصالة البرايت الشرعی
- ④ - قاعدة المعجزة العلم

انواع:

لتوی : همدمی ، همراهی و... یا صاحبی السجن

اصطلاحی: یک علم و یقینی بوده — مانند :  
و الان شک بر آن ایجاد شده  
وضو گرفتن و نمی دائم باطل شده  
یا نه  
آب پاک بوده شک کردم که نجس شده یا نه

حکم : لا ینقض الیقین بالشک  
شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که شک کردم وضو من باطل شده یا نه و جمله فوق را فرمودند

استصحاب :  
، به مطلب عقلی هم هست از طرفی مثلاً دم وقتی از خانه بیرون میرود بر میگردد چون میدانند که از بین ... نرفته و

اگر ادله معجزه ای نبود  
میتواند بگوید که : این شی  
حالت سابقه آن مشخص بوده و الان  
ما شک داریم که پاک است یا نه  
فقیه در ایجا استصحاب جاری میکند

شبهات حکمیة  
فقیه شک دارد که آیا چیزی که پاک باشه با ملاقات با متنجس چیزی که عین نجس نیست ( نجس میشود یا نه ؟

استصحاب فقط در شبهات موضوعیه است نه شبهات حکمیة  
البته ما دو نظر داریم  
استصحاب کلی است و در همه شریعت میشود جاری کرد چون امام معصوم حکم کلی را در جواب سوال ( جزئی دادن ) مانند شهید صدر

شبهات موضوعیه یا مصداقیة — شک در بطلان وضو بعد از یقین به انجام آن

- ⑦ - شک در بقاء
- ⑧ - وحدت موضوعی

تعارض بین ادله عملیه

# اصول فقه

## ادله محرزه

- ① - مبادی عامه
- ② - ادله شرعی
  - ① - مقدمه
  - ② - ادله عقلی
- ③ - انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
- ④ - تعارض بین ادله محرزه

## مقدمات

## ادله عملیه

- ① - مقدمه
- ② - اصالة الاحتیاط العقلي
- ③ - اصالة البراءة الشرعی
- ④ - قاعدة المنجزية العلم
- انواع:
  - لغوی: همدی ، همراهی و... یا صاحبی السجن
  - اصطلاحی: یک علم و یقینی بوده — مانند:
    - وضو گرفتن و نمی دائم باطل شده یا نه
    - آب پاک بوده شک کردم که نجس شده یا نه
  - حکم: لا ینقض البتین بالشک
    - به مغلوب عقلی هم هست از طرفی مثلا آدم وقتی از خانه بیرون می رود برمیگردد چون میداند که از بین ..... نرفته و
  - استصحاب:
    - حالت یقینی پیشین
    - شک در رافع است — آنچه را که میدانستیم و متیقن بوده اگر برای آن مشکلی درست تکبیر آیا این قائلی موندن دارد یا ندارد؟
      - پسر بزرگ خانواده ای که پدر او سالم و قوی است به جبهه رفته واسیر شده است و ده سال از اسارت او میگذرد و خبر ندارد که پدر زنده است یا برده که نماز های او را قضا کند اما چون احتمال زنده بودن او با توجه این که قبل از رفتن سالم بوده زیاد است استصحاب جاری میکند
      - یا شک موضوعی است یا شک حکمی است
        - در ماه مبارک رمضان شک داریم که الان وقت افطار شده یا نه؟
          - استصحاب جاری میکنیم که هنوز روز است
      - شک در بقاء — انواع:
        - شروط جریان دادن استصحاب
        - شک در منتهی:
          - مانند:
            - پسر بزرگ خانواده ای که پدر او پیر و فرتوت است به جبهه رفته واسیر شده است و ده سال از اسارت او میگذرد و خبر ندارد که پدر زنده است یا برده که نماز های او را قضا کند ، اما چون موقع آمدن زنده بوده به نظر شهید صدر استصحاب میکنیم اما به نظر برخی آقایون گویا باید بنا را بر این بگذارند که او فوت کرده است؟؟؟؟
          - برخی از علما استصحاب را در این جا قبول ندارند
          - شهید صدر: چون لا ینقض ، البتین بالشک عمومیت دارد اینجا هم صحیح است
        - وحدت موضوعی:
          - همه چیز در در حالت قبل و حالت فعلی باید یکی باشد غیر از زمان
          - مثلا ما آبی داریم و آن آب نجس است آن آب بخار شد حال شک داریم که آن نجس است یا پاک که اینجا نمیشود استصحاب برقرار کرد

تعارض بین ادله عملیه

# اصول فقه

## ادله مجرزه

- ①- مبادئ عامه
- ②- تقسیم بحث
  - ①- ادله شرعی
  - ②- مقدمه
  - ③- انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل

## مقدمات

### مقدمه

- ①- اصالة الاحتیاط العقلي
- ②- اصالة البرات التشری
- ③- قاعدة المنجز به العلم

### انواع

فتوی: هندی، هه‌الی و... یا صاحبی السجین

اصلاحی: یک علم و یقینی بوده  
و الان شک بر آن ایجاد شده

وضو گرفتم و نمی دانم باطل شده یا نه  
آب پاک بوده شک کردم که نجس شده یا نه

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که شک کردم وضو من باطل شده یا نه و جمله فوق را فرمودند

حکم: لا ینقض البین بالشک  
، به مطلب عقلی هم هست از طرفی مثلا آدم وقتی از خانه بیرون میرود و میگردد چون میدانند که از بین ...نرفته و

④- شروط جریان دادن استصحاب

⑤- تعارض بین ادله عملیه

امکان ندارد دو کلام متعارض از شارع صادر شود

بجوز للصائم أن یرتمس فی الماء حال صوبه

ممکنه دو آیه ، روایت و... داشته باشیم که در تناقض باشد

ظهور این دو روایت در ابتدا با هم تعارض دارند  
اینجا یک جواز داریم و یک نهی و گفته میشود اینجا این نهی به علت وجود جواز کراهت را میرساند

الربا حرام

ممکن است یکی خاص و دیگری عام باشد

در نظر اول ممکن است گفته شود این تعارض دارد  
ولی با دقت مشخص میشود که این دومی خاص و اولی عام است

قواعد: تعارض دو دلیلی لفظی با هم

یجب الحج علی المستطیع

ممکن است یکی موضوع را عوض کند

در اینجا منظور از مدین (کسی که بدهکار است) کسی است که بدهکار است ولی استطاعت دارد  
بناظر: این حرف صحیح نیست زیرا این روایت دوم به ما در تزیف مستطیع کمک میکند و هیچ تعارضی با اولی ندارد بلکه مشخص میکند که شخصی که موضوع را عوض میکند  
بناظر است مانند شخصی که پول ندارد یا راه حج بر او بسته است یا بیمار است مستطیع است

تعارض بین ادله مجرزه

اگر دو روایت با استفاده از قواعد بالا حل شد که شد اگر نشد و هر دو از باب روایت (رجالی) اهم رده بودند آن را طرح میکنیم ادا تعارضاً تساقطاً زیرا نفی شود به هر دو عمل کرد یکی میگوید حرام بیکم میگوید واجب ، و باید حکم را با روش های دیگر استنباط کرد

⑥- تعارض یک دلیل لفظی و یک دلیل غیر لفظی

# اصول فقه

مقدمات ⑩

ادله محرزه

- ①- مبادی عامه
- ②- انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
  - ③- مقدمه
  - ④- ادله عقلی
  - ⑤- ادله شرعی
- ⑥- تقسیم بحث

⑦- تعارض بین ادله محرزه

⑧- تعارض دو دلیلی لفظی با هم

هرگز دیک دلیل شرعی و یک دلیل عقلی با هم تضاد داشته ..... باشد (کلاما حکم به العقل یا لفظ صحیح نیست)

یا آن مطلب عقلی صحیح نیست

یا اگر تعارض ظاهری پیدا کرد

تکات:

ید الله فوق ایدییم

عقل نمی پذیرد که خدا ذو البد الجسمی باشد

مثلا:

پس درک میکنیم که معنا و مقصود دیگری دارد

و منظور از ید قدرت الهی است

تعارض یک دلیل لفظی و یک دلیل غیر لفظی

امکان ندارد هر دو دلیل قطعی و متعارض باشند

اگر دلیل لفظی قطعی داشتیم و یک دلیل عقلی غیر قطعی دلیل لفظی مقدم است

اگر دلیل عقلی قطعی داشتیم و یک دلیل لفظی غیر قطعی دلیل عقلی مقدم است

قواعد:

اگر به دلیل لفظی داشتیم غیر قطعی و یک دلیل عقلی غیر قطعی: دلیل لفظی را مقدم میداریم زیرا فقط دلیل عقلی در حکم شرعی استناده میشود که قطعی باشد

امکان ندارد دو دلیل عقلی با هم متعارض باشند

مقدمه ③

- ①- اصالة الاحتیاط العقلي
- ②- اصالة البرائت الشرعی
- ③- قاعدة المنجز به العلم

انواع:

ادله عملیه

تئوی: همدمی، همراهی و... یا صاحبی السجن

اصطلاحی: یک علم و یقینی بوده و الان شک بر آن ایجاد شده

مانند: آب پاک بوده شک کردم که نجس شده یا نه

استصحاب:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که شک کردم وضو من باطل شده یا نه و جمله فوقی را فرمودند

حکم: لا ینقض الیقین بالشک

به مطلب عقلی هم هست از طرفی مثلا ادم وقتی از خانه بیرون میرود برمیگردد چون میداند که از بین نرفته و

شرط جریان دادن استصحاب ④

تعارض بین ادله عملیه ⑥

# اصول فقه

## ادله محرزه

- 7- مبادی عامه
- 8- ادله شرعی
- 9- مقدمه
- 10- ادله عقلی
- 11- انواع روابط احکام شرعی مستنبط عقل
- 12- تعارض بین ادله محرزه

## ادله عملیه

### مقدمات

- 1- مقدمه
- 2- اصالة الاحتیاط العقلي
- 3- اصالة البرائت الشرعی
- 4- قاعدة المنجزية العلم

### انواع

- لقوی : همدعی ، همراهی و... یا صاحبی السجن
- اصطلاحی: یک علم و یقینی بوده — مانند : آب پاک بوده شک کردم که نجس شده یا نه
- وضو گرفتن و نمی دایم باطل شده یا نه
- استصحاب : شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که شک کردم وضو من باطل شده یا نه و جمله فوق را فرمودند
- حکم : لا یقض الیقین بالشک ، به مطلب عقلی هم هست از طرفی مثلا ادم وقتی از خانه بیرون میرود برمیگردد چون میدانند که از بین ..... نرفته و
- شروط جریان دادن استصحاب 13

### تعارض بین ادله عملیه

- بارز ترین آن تعارضات همین است
- البته غالباً بدوی هستند و به راحتی حل میشوند
- تعارض استصحاب و برائت : از یک طرف آدم شک میکند که برائت جاری کند یا استصحاب کند و به حکم قبلی را عمل کند
- مانند : انسان شک میکند که وقت افطار است یا نه ؟
- بنا بر آن تکلیفی نداری و تا آنجایی که یقین داری باید عمل کنی
- استصحاب : تا قبل از غروب یقین داری که روز است ، الان شک کردی که افطار شده یا نه ؟
- استصحاب بر برائت مقدم است
- استصحاب برای جایی است که یقین داری
- برائت برای جایی است که شک داری
- اگر در جایی نتوانستیم حکم فعل را تشخیص دهیم و حکم قبلی مشخص بود استصحاب
- جاری کردن اصول عملیه (استاد نه شهید صدر)
- اگر در اصل تکلیف شک داشتیم برائت
- اگر در نحوه ادا تکلیف شک داشتیم : اگر احتیاط ممکن است احتیاط اگر احتیاط ممکن نیست تخییر
- در جایی که ادله محرزه است دیگر اصلا کار به اصول عملیه نمی رسد
- تعارض دلیل محرز با اصل عملی